

Hooman Movassagh, “The Universality of Human Rights and the Cultural Relativism Thesis”, *Mehrnameh*, No. 14, August 2011, pp. 178-179, available at: <http://goo.gl/NhT1p>

**Abstract:**

The cultural relativism thesis has been circulating for some time, mainly in academic settings. This theory is based on a perspective that is diagrammatically opposed to the principle of universality of human rights. Certain States such as Iran and China have at times used the cultural relativism thesis to justify their human rights records. However, while there are interesting academic discussions relevant to this thesis, a review of international instruments, and indeed the practice of these very States, reveals that the universality of human rights prevails in international law.

**Keywords:** International law, human rights, universality, cultural relativism, international values

## ماهنامه‌ی علوم انسانی مهرنامه

سال دوم، شماره چهاردهم، مرداد ۱۳۹۰

## نسبيت فرهنگي در اسناد جهاني حقوق بشر

هومن موثق / عضو هیات علمی مرکز حقوق بشر، صلح و دموکراسی شهید بهشتی

## بررسی در اسناد جهاني حقوق بشر

در بررسی اسناد جهاني، ابتدا ضروري است به منشور سازمان ملل متحد اشاره گردد. عضویت اکثر قریب به اتفاق دولت‌های جهان در سازمان ملل و تعهد آنها به منشور، اهمیت این سند را کاملاً آشکار می‌نماید. اولین ماده منشور بیانگر اهداف سازمان ملل می‌باشد.

بند سه این ماده مقرر می‌دارد:

«حصول همکاری بین‌المللی برای حل مسائل بین‌المللی دارای ماهیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه، و برای ترویج احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب، و تشویق به آن...»

این بند ماده یک، از متنی که در دامبارتن اوکس تهیه شده بود از دقت و تفصیل بیشتری برخوردار است. 41 رویه ارگان‌های ملل متحد درباره ماده یک را می‌توان به دو مقوله تقسیم کرد. اول، مواردی است که ارگان‌ها تصمیماتی کلی اتخاذ کرده‌اند، همچون تعریف موازین رفتار بین‌المللی. دوم، مواردی است که ناظر بر اختلافات و وضعیت‌های خاص می‌باشند. در این موارد بعضاً توصیه‌نامه‌هایی صادر شده است که از دولت‌های ذیربط خواسته شده در روابط خود یا در مذاکرات خود «اهداف» ملل متحد را مد نظر قرار دهند. 42 مجمع عمومی به طور خاص چندین بار اینگونه اقدام کرده است. از جمله در قطعنامه 2734 مورخ 16 دسامبر 1970 با عنوان «اعلامیه تقویت امنیت بین‌المللی» این مرجع بر «اعتبار جهانی و بی‌قید و شرط اهداف و اصول منشور ملل متحد به عنوان مبنای روابط میان دولت‌ها صرفنظر از اندازه، موقعیت جغرافیایی، سطح توسعه یا نظام‌های سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی» 43 تأکید کرده است. همچنین مجمع عمومی درخواست کرده که تلاش‌هایی برای گسترده‌تر شدن آموزش اصول و اهداف منشور در مدارس و اماکن آموزشی، با تأکید بر حقوق بشر صورت گیرد. 44

بند سه ماده یک دارای دو جنبه است، یکی بحث همکاری دولت‌ها برای حل مسائل اقتصادی اجتماعی و غیره، و دیگری حقوق بشر. در خصوص حمایت از حقوق بشر، مقرر مذکور در مسائل زیر مورد استناد واقع شده است: بهره‌مندی مؤثر از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، 45 رفتار با هندی‌ها در آفریقای جنوبی، 46 حقوق سیاسی زنان، 47، پیش‌نویس کنوانسیون آزادی اطلاعات، 48، مسأله تعارض نژادی در آفریقای جنوبی ناشی از سیاست‌های آپارتاید، 49، وضعیت‌های مجارستان 50 و شیلی، 51 اطلاعات حاصل از سرزمین‌های غیرخودمختار، 52 رفع تبعیض نژادی، 53 امحاء انواع عدم تساهل و تبعیض مبتنی بر مذهب یا اعتقادات 54 و تقویت حکومت قانون. 55

لازم به ذکر است که در اعلامیه «سال بین‌المللی صلح»، ترویج و حمایت از حقوق و آزادی‌های بشر با صلح و امنیت بین‌المللی 56 مرتبط دانسته شده و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مستلزم فعالیت و تلاش مستمر و مثبت دولت‌ها و ملت‌ها برای انجام آن اعلام شده است.

درباره جنبه حقوق بشری این مقرر، باید به طور خاص به بند ج ماده 55 منشور نیز اشاره کرد. 57 این ماده مقرر می‌دارد:

«به منظور ایجاد شرایط ثبات و رفاه که برای روابط دوستانه و صلح‌آمیز میان ملل براساس احترام به اصل تساوی حقوق و تعیین سرنوشت ملت‌ها ضروری است، سازمان ملل متحد موارد زیر را ترویج خواهد کرد:

ج - احترام جهانی برای حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب، و رعایت آن [حقوق و آزادی‌ها] 58

مشهود است که این مقررہ نیز با عباراتی مطلق و عام طراحی شده است و از عبارات «احترام جهانی»، «برای همه» و «بدون تمایز» استفاده کرده است.

اسنادی که پس از منشور نیز به تأیید یا تصویب دولت‌ها رسیده‌اند بر جهان‌شمولی حقوق بشر تأکید دارند. اولین سندی که در این ارتباط می‌توان به آن اشاره کرد، اعلامیه جهانی حقوق بشر 1948 مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد است. شایان ذکر است که کشور ایران نیز عضو کمیته نگارش اعلامیه بود. 59 علاوه بر عنوان اعلامیه، که با عبارت «اعلامیه جهانی» به نظر می‌رسد جهان‌شمولی حقوق بشر را مد نظر داشته، موارد متعددی در محتوای اعلامیه ملاحظه می‌گردد که اعتقاد جامعه بین‌المللی را مبنی بر جهان‌شمولی حقوق بشر نشان می‌دهند. 60 مقدمه این اعلامیه کاملاً گویای جهان‌شمولی آن می‌باشد و بر شناسایی و رعایت مؤثر آن به صورت جهانی تأکید می‌نماید.

این اعلامیه، پس از آنکه در ماده یک خود بر برابری شأن و حقوق همه انسان‌ها تأکید می‌کند، در ماده دو بر اصل عدم تبعیض و حق همگان برای بهره‌مندی از حقوق مندرج در اعلامیه تأکید دارد. اعلامیه با عباراتی تنظیم شده است که گویای ماهیت جهان‌شمول مفاد و مندرجات آن می‌باشد و در نهایت، در ماده سی خود اعلام می‌کند هیچ چیزی در اعلامیه نمی‌تواند به نحوی تفسیر شود که برای هر دولت، گروه یا فردی این حق را به وجود آورد که عملی را با هدف نابود سازی هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه انجام دهد.

نتیجه آنکه، اعلامیه جهانی حقوق بشر، به عنوان یکی از مهمترین اسناد حقوق بشر، بر جهان‌شمولی این حقوق تأکید دارد. تشکیک در اهمیت حقوقی این اعلامیه نیز مفید فایده نخواهد بود زیرا اعتقاد قریب به اتفاق حقوقدانان و مراجع بین‌المللی بر عرفی بودن محتوای آن است. در نتیجه، رفتار مغایر با مفاد آن به منزله نقض حقوق بین‌الملل عرفی تلقی خواهد شد. این امر، با توجه به آنکه بسیاری از دولت‌ها آن را الگوی قوانین ملی و حتی اساسی خود قرار داده‌اند تقویت می‌گردد. 61

نگاهی کوتاه به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که ایران نیز بدون شرط عضو آنها شده است، کاملاً مؤید رویکرد جهان‌شمول این اسناد است. میثاقین در مقدمه خود ضمن اشاره به «شأن ذاتی و حقوق برابر و تفویض‌ناپذیر همه انسانها» به تعهدات دولتها بر اساس منشور ملل متحد مبنی بر ترویج احترام و مراعات جهان‌شمول حقوق و آزادی‌های بشر اشاره نموده‌اند و در مواد دو الی پنج خود مقرراتی برای تضمین آن مقرر داشته‌اند. مفاد این اسناد نیز کاملاً دال بر جهان‌شمولی مقررات آنها می‌باشند و با عباراتی عام و مطلق تنظیم شده‌اند.

اسناد جهانی دیگری نیز که برای حمایت از حقوق بشر تنظیم شده‌اند همواره بر جهان‌شمولی این حقوق تأکید کرده‌اند. از جمله می‌توان به اعلامیه حقوق بشر افرادی که تبعه کشور محل سکونت خود نیستند 62 اشاره کرد. این سند که توسط مجمع عمومی در سال 1985 به تصویب رسیده، به صراحت جهان‌شمولی حقوق بشر را اعلام داشته است.

در جریان برگزاری کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین طی ماه ژوئن 1993 نیز مسأله جهان‌شمولی یا نسبیت فرهنگی حقوق بشر مطرح شد. چند دولت، به ویژه دولت‌های اسلامی، مدعی نسبیت فرهنگی حقوق بشر بودند. دولت ایران نیز از سردمداران این گروه بود. رئیس هیأت ایرانی شرکت کننده در کنفرانس اعلام داشت:

«ایران خواهان مباحثه‌ای جدی، دقیق و عمیق درباره اصول و مبانی حقوق بشر است زیرا مسأله اصلی دولت‌های غربی درک نادرست آنها از بشریت و حقوق بشر است. نتیجه آنکه غرب در ارائه نمونه جهانی مقبول همگان ناکام مانده است...»

وزیر امور خارجه اندونزی هم موضعی مشابه اتخاذ کرد. ولی آنچه که در نهایت مورد موافقت همه دولت‌های شرکت کننده قرار گرفت، جهان‌شمولی حقوق بشر بود. این امر در اعلامیه و برنامه عمل وین که حاصل کنفرانس است، تبلور یافته است. مقدمه این اعلامیه صراحتاً به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد اشاره می‌کند و بر جهان‌شمولی حقوق بشر تأکید می‌نماید. پس از آن، در اولین بند از بخش اول اعلامیه، ماهیت جهان‌شمول حقوق بشر «غیرقابل تردید» 63 اعلام شده است.

در بند پنجم این اعلامیه نیز ذکر شده است که:

«همه حقوق بشر جهان‌شمول، غیرقابل تفکیک و وابسته به هم و مرتبط با هم می‌باشند. جامعه بین‌المللی باید حقوق بشر را به صورت جهانی و به نحو منصفانه و برابر، بر یک اساس و با تأکیدی یکسان لحاظ نماید. در حالی که اهمیت ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و پیشینه‌های گوناگون تاریخی، فرهنگی و مذهبی باید مدنظر قرار گیرند، وظیفه دولت‌ها این است که صرف‌نظر از نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را ترویج نمایند و از آنها حمایت کنند.»

بلافاصله پس از این مقرر نیز اعلامیه وین در بند ششم خود بر تلاش‌های سازمان ملل برای احترام و رعایت جهانی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه سخن گفته است. 64 کوتاه سخن آنکه از منظر اسناد جهانی حقوق بشر، بدون تردید باید گفت که جهان‌شمولی این حقوق مورد قبول واقع شده است. 65

اکنون اقتضا دارد رویکرد منطقه‌ای به این مسأله نیز بررسی گردد.

#### ارزیابی در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر

اسناد منطقه‌ای حقوق بشر را می‌توان به اروپایی، آمریکایی، آفریقایی و اسناد اسلامی حقوق بشر تقسیم کرد. ابتدا به نظام اروپایی پرداخته خواهد شد.

#### الف - نظام اروپایی:

مهمترین سند حقوق بشری نظام اروپایی، کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی 66 موسوم به کنوانسیون رم 1950 است. این کنوانسیون چندین مرتبه و طی چند پروتکل اصلاح گردیده است. کنوانسیون رم که توسط اعضای شورای اروپا تنظیم شده است، ضمن برشماری برخی از حقوق و آزادی‌های بنیادین، نهاد قضایی حقوق بشری اروپایی را نیز تأسیس کرده است. این نهاد، که به دیوان اروپایی حقوق بشر 67 موسوم است، نقش بسزایی در پیشبرد حقوق بشر در اروپا داشته، به نحوی که آراء آن در برخی مراجع جهانی نیز مورد استناد قرار گرفته‌اند.

مقدمه کنوانسیون رم صراحتاً به مسأله جهان‌شمولی حقوق بشر، آن گونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر قید شده است، استناد کرده. جالب آنکه این امر در صدر مقدمه کنوانسیون رم صورت گرفته است. عین عبارات کنوانسیون بدین شرح است:

«دولت‌های ممضی زیر، که عضو شورای اروپا هستند،

با لحاظ اعلامیه جهانی حقوق بشر که توسط مجمع عمومی ملل متحد در دهم دسامبر 1948 اعلام شده است، با توجه به اینکه هدف از اعلامیه مذکور فراهم آوردن شناسایی و رعایت جهانی و مؤثر حقوق مندرج در آن می‌باشد...»

ملاحظه می‌گردد که کنوانسیون رم عیناً جهان‌شمولی حقوق بشر مورد نظر اعلامیه جهانی حقوق بشر را مورد تأیید و تأکید قرار داده است. در عین حال، هنگامی که به مفاد کنوانسیون رجوع می‌گردد، ملاحظه می‌شود ضمن آنکه عبارات به کار گرفته شده در آن حاکی از جهان‌شمولی مفاد و مقررات آن می‌باشد، حقوقی که توسط کنوانسیون تضمین شده‌اند عمدتاً ناظر بر حقوق مدنی و سیاسی هستند و به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمتر توجه شده است.

در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر نیز مفهومی موسوم به «حد صلاحید» 68 ایجاد شده است که به موجب آن دولت‌های عضو در اجرای برخی از حقوق مندرج در کنوانسیون، می‌توانند در حدود معینی بنابر صلاحید خود و اقتضات کشورهای خود عمل نمایند. البته این امر محدود به «حدود لازم در يك جامعه دموکراتیک» می‌باشد. برای مثال، دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه‌ای موسوم به *ینگل* 69 اعلام کرد که مجازات دو سرباز به خاطر توزیع نشریه‌ای که با انضباط نظامی مغایرت داشت، نقض حق آزادی بیان تضمین شده در ماده ده کنوانسیون نمی‌باشد، زیرا «عملکرد صحیح يك ارتش در فقدان قواعد حقوقی خاصی برای جلوگیری از تخطی نظامیان از انضباط نظامی قابل تصور نمی‌باشد» و در آن قضیه، محتوای نشریه مورد بحث مغایر با انضباط نظامی تشخیص داده شد. در عین حال، در قضیه‌ای دیگر 70 عملکرد دولت انگلستان در مداخله با مکاتبات يك زندانی مغایر مفاد ماده هشت کنوانسیون تشخیص داده شد. 71

با تمام این احوال، باید خاطر نشان ساخت که هیچ يك از موارد مذکور نافی جهان‌شمولی حقوق بشر یا تأییدی بر نسبیت فرهنگی آن نیستند. توجه ویژه به حقوق مدنی و سیاسی همان قدر دال بر نسبیت فرهنگی حقوق بشر است که تهیه میثاق حقوق مدنی و سیاسی بر چنین امری دلالت داشت. توجه به حد خاصی از صلاحید عملکرد دولت‌ها نیز به همان اندازه بیانگر تأیید نسبیت فرهنگی حقوق بشر است که شناسایی چنین حدی توسط کمیته حقوق بشر و سایر ارکان جهانی حقوق بشر مهر تأییدی بر این مفهوم می‌تواند باشد. این امر تنها نشان‌دهنده این است که برخی از حقوق بشر در جوامع مختلف ممکن است به انحاء گوناگونی به اجرا آیند. مثلاً حق بر دادرسی عادلانه در نظام نفتیشی به يك نحو، و در نظام اتهامی به نحو دیگری اجرا می‌شود. آزادی بیان در يك جامعه و در اوضاع و احوال خاصی حدی مشخص دارد، و در زمانی دیگر، اوضاع و احوالی دیگر یا جامعه‌ای دیگر ممکن است حدی وسیعتر یا محدودتری داشته باشد، که این حد همواره در مقایسه با موازین يك «جامعه دموکراتیک» سنجیده می‌شود.

سند دیگری که در چارچوب اروپا می‌تواند مورد استناد واقع شود، منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا مصوب سال 2000 می‌باشد 72 که توسط سه رکن اساسی اروپا، یعنی پارلمان اروپایی، شورا و کمیسیون به اشتراک صادر شده است. این منشور نیز در مقدمه خود اعلام می‌دارد که «اتحادیه بر ارزش‌های تفکیک‌ناپذیر و جهانی آزادی، برابری و همبستگی شأن بشر بنا شده است». این منشور نیز با عباراتی کاملاً عام و مطلق تنظیم شده است، به نحوی که حاکی از جهان‌شمولی حقوق مندرج در آن می‌باشد.

#### ب- نظام آمریکایی:

در نظام آمریکایی نیز توجه ویژه‌ای به حقوق بشر شده است، به نحوی که این قاره نه تنها اسناد خاص حقوق بشری خود را دارد، بلکه رکنی قضایی 73 نیز برای نظارت مؤثر بر حقوق مندرج در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر تأسیس گردیده و رویه قضایی مفصلی

نیز دارد.

اولین سندی که در قاره اروپا برای تضمین حقوق بشر و حمایت از آن تنظیم شد، اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان، مصوب نهمین کنفرانس بین‌المللی دولت‌های آمریکایی در سال 1948 می‌باشد. 74 این سند تأکید دارد که حقوق انسان‌ها بسته به تابعیت آنها نیست، بلکه کاملاً مربوط به «انسان» بودن آنها می‌باشد. مقدمه این اعلامیه و مفاد آن نیز دال بر شناسایی جهان‌شمولی حقوق بشر می‌باشند، ضمن آنکه علاوه بر حقوق، به تکالیف و تعهدات انسانها نیز توجه شده است.

همین رویکرد در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر 75 ملاحظه می‌گردد. این کنوانسیون ضمن آنکه به ارتباط حقوق بشر با ویژگی انسان بودن تأکید می‌نماید، به اصول مندرج در منشور سازمان دولت‌های آمریکایی، اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان، و اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره می‌کند. بدیهی است یکی از اصول مذکور جهان‌شمولی حقوق بشر است. جهت تأکید بر این امر، ماده یک کنوانسیون تحت عنوان تعهدات کلی اعلام می‌دارد:

«ماده یک - تعهد به رعایت حقوق

1- دولت‌های عضو این کنوانسیون متعهد می‌گردند که حقوق و آزادی‌های شناخته شده در آن را محترم شمارند و بهره‌مندی آزادانه و کامل همه اشخاص موجود در صلاحیت خود از این حقوق و آزادیها را، بدون هرگونه تبعیض به لحاظ نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اعتقاد سیاسی یا غیر آن، منشأ ملی یا اجتماعی، وضعیت اقتصادی، ولادت یا هر وضعیت اجتماعی دیگری، تضمین نمایند.

2- از نظر این کنوانسیون، شخص «یعنی هر فرد انسانی.»

به هر صورت، باید گفت که در نظام آمریکایی، با وجود آنکه بر تعهدات و تکالیف افراد نیز تأکید شده است، ولی به هیچ وجه نمی‌توان معتقد بود که اسناد مذکور نسبت فرهنگی حقوق بشر را مدنظر داشته‌اند. این اسناد، ضمن آنکه تجلیاتی از فرهنگ قاره آمریکا را در بردارند، بر جهان‌شمولی حقوق و آزادی‌های بشر دلالت دارند.

#### ج- نظام آفریقایی:

در قاره آفریقا و در چارچوب نظام سازمان وحدت آفریقا، که امروزه اتحادیه آفریقا نام دارد، کنوانسیون برای حمایت از حقوق بشر تهیه و تصویب شده است. این کنوانسیون موسوم به کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها 76 یا کنوانسیون بانجول 77 می‌باشد و در 27 ژوئن 1981 به تصویب سازمان وحدت آفریقا رسید. در مقدمه این کنوانسیون، ضمن آنکه به منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر توجه شده، سنت‌های تاریخی و ارزش‌های آفریقایی و تأثیر آنها بر مفهوم حقوق بشر و ملت‌ها نیز مدنظر قرار گرفته است. با این حال، این کنوانسیون نیز همانند اسناد آمریکایی، حقوق بنیادین بشر را ناشی از ویژگی‌های انسان بودن دانسته، بر اصول مقرر در اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مصوب سازمان وحدت آفریقا، کشورهای عضو جنبش عدم تعهد و سازمان ملل متحد تأکید مجدد داشته، آنها را لازمالاتباع اعلام کرده است. ماده دوم این کنوانسیون نیز صراحتاً اصل عدم تبعیض را مقرر داشته و حقوق مندرج در کنوانسیون را قابل تسری به همه انسان‌ها می‌داند.

#### د- اسناد اسلامی و عربی:

در چارچوب اسناد مصوب کشورهای اسلامی و به ویژه عربی، به دو سند می‌توان اشاره کرد: اعلامیه قاهره راجع به حقوق بشر در اسلام 78 و منشور عرب درباره حقوق بشر 79.

بايد اذعان داشت كه با وجود آنكه اعلاميه قاهره با عباراتي عام و مطلق تنظيم شده است و حتي در ماده يك خود از برابري شأن انسانها سخن ميگويد، تمام مفاد و مندرجات آن زير چتر شريعت اسلامي قرار دارد و به نظر مي‌رسد كه تنها با توجه به مقررات شرع اسلام بتوان تفسير درستي از آن ارائه كرد. بديهي است كه ديدهاها درباره شرع اسلامي متفاوت بوده و ممكن است بنا بر يك ديدها اين اعلاميه متضمن جهانشمولي حقوق بشر باشد و بنا بر ديدها ديگر، نافي آن بوده و مؤيد برتري شرع بر حقوق بشر، و به عبارتي، نسبي‌انگاري قواعد حقوق بشر و تفسير آنها بنا بر تعاليم اسلام باشد. با اين حال، اين سند فاقد الزام حقوقي است و حتي توسط دولتهاي اسلامي کمتر به آن استنادي شده است.

منشور عرب درباره حقوق بشر حاوي عباراتي است كه، ضمن آنكه بر ارزشهاي اسلامي تأكيد دارد، مؤيد ديدهاهاي است كه تعاليم شرع اسلام با قواعد حقوق بشري قابل جمع بوده، مؤيد اصول حاكم بر نظام بين‌الملل حقوق بشر است. اين منشور در مقدمه خود از اصول برابري و برادري همه انسانها سخن گفته، بر اصول مندرج در منشور ملل متحد و اعلاميه جهاني حقوق بشر و نيز مفاد و مندرجات ميثاق بين‌المللي حقوق مدني و سياسي و ميثاق بين‌الملل حقوق اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي تأكيد کرده است. علاوه بر اين، در ماده دو اين منشور به صراحت اصل عدم تبعيض به دلایل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اعتقاد سياسي، منشأ ملي يا اجتماعي، اموال، وضعيت ولادت يا غير آن شناخته شده و حتي تأكيد مجدي بر عدم تبعيض ميان زن و مرد کرده است.

#### ارزيابي

مبحث نسبيت فرهنگي يا جهانشمولي حقوق بشر از مباحث بسيار عميق، پيچيده و فلسفي حقوق بشر است كه علي‌رغم تأكيد بر جهانشمولي در اسناد و رويه بين‌المللي، كم و بيش در محافل علمي مورد بحث و بررسي قرار مي‌گيرد. نسبي‌انگاري و جهانشمول پنداشتن حقوق بشر ريشه در ديدهاهاي فلسفي، اخلاقي و انسان شناختي متفاوتي دارند، به نحوي كه هر يك از اين گرايشها، خود گونه‌هاي مختلفي دارد.

آنچه در اين چارچوب بايد مورد توجه قرار گيرد اين است كه در نظام حقوقي بين‌المللي، آنچه مورد پذيرش اعضاي جامعه بين‌المللي قرار گرفته است، جهانشمولي حقوق بشر مي‌باشد. بنا بر اين، در عمل و نزد ساز و كارهاي نظارتي حقوق بشري، نمي‌توان «نسبيت فرهنگي» را مستمسك دفاع از عملكرد حقوق بشري هيچ كشوري قرار داد و انتظار داشت كه مراجع مذكور و ساير دولتها، به خاطر تفاوتهاي فرهنگي مورد ادعاي اين يا آن كشور، از تخلفات و قصور آنها در زمينه حقوق بشر چشم‌پوشي كنند.

لينك ثابت:

<http://www.mehrnameh.ir/article/2415/>